

شاخص‌شناسی در شعار اقتصادی سال

احمد اخوی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

اطلاعات - ایران

مقام معظم رهبری سال جدید را با نامگذاری آن به سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی به ملت تبریک گفتند. شعاری که اگر چه از سه جزء سیاستی تشکیل می‌شود اما در عین حال از سرشت واحدی ایجاد شده است که به یکدیگر وابستگی دارند.

نامگذاری سال ۱۳۹۱ در واقع یک نوع جمع‌بندی و فرموله کردن نام‌گذاری‌های اقتصادی - اجتماعی سال ۱۳۸۸ به بعد است. سال ۱۳۸۸ سال حرکت به سمت اصلاح الگوی مصرف نام گذاری شد، سال ۱۳۸۹ سال همت مضاعف و کار مضاعف نام گرفت. سال ۱۳۹۰ که سال پی‌گیری و تداوم قدرتمندان اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و افزایش تحریم‌های آمریکا و متحدانش علیه ایران به موازات تلاش برای ادامه برنامه‌های همت مضاعف و کار مضاعف با توانی انقلابی و در همان راستای حرکت در قالب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بود به سال جهاد اقتصادی ملقب شد. اکنون سال ۱۳۹۱ به زیور نامی آراسته شده است که محتوای آن نه تنها کار مضاعف و همت مضاعف با روحیه‌ای جهادی برای افزایش بسیار چشمگیر تولید داخلی را طلب می‌کند بلکه در عین حال حاوی فرهنگ اصلاح الگوی مصرف در راستای افزایش شدید بهره‌وری تولید، استفاده بهینه از منابع و ذخائر ملی، سهم بالاتر تولید داخلی از مصرف، کاهش ضایعات تولید و مصرف، دوستداری محیط زیست، افزایش قدرت رقابت تولیدات داخلی و توسعه صادرات نیز می‌باشد.

برای پی‌گیری اهداف اقتصاد ملی و ارزیابی پیشرفت‌ها همواره به شاخص‌های سنجش و اندازه‌گیری نیاز می‌باشد. این شاخص‌ها اغلب شاخص‌های استاندارد هستند که متناسب با نوع اقتصادی که در آن به کار گرفته می‌شوند باید بومی‌سازی شوند. اگر چنانچه برای شاخص یا شاخص‌هایی نیز اطلاعات مستقیم در دسترس نیست از شاخصی استفاده می‌شود که قدرت جانشینی لازم را داشته باشد (پراکسی).

در اینجا به مهم‌ترین شاخص‌هایی که برای تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی قابل استفاده می‌باشد اشاره می‌شود.

ابتدا باید متذکر شویم با توجه به سازگاری بین روند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و الگوی توسعه پایدار تناقض ذاتی و اختلاف اساسی در شاخص‌های سنجش بین این دو وجود ندارد و لذا شاخص‌هایی که جهت گیری ضد رشد و مخالف معنویت و اخلاق نداشته باشند در اینجا نیز مصرف آنها قاعدتاً دور از احتیاط نیست.

شاخصی که می‌توان رشد تولید ملی کالا و خدمات را با آن نشان داد در دستگاه حساب‌های ملی سازمان ملل متحد تولید ناخالص ملی (GNP) است. در اقتصاد جهان کنونی استفاده از شاخص GDP یا تولید ناخالص داخلی البته رایج تر است اما چون تاکید ما بر کار و سرمایه ایرانی است. لذا نمی‌توانیم حاصل کار و سرمایه غیر ایرانی را به طور کامل جزء تولید ملی بیاوریم و لذا خالص در آمد عوامل تولید از خارج را از GDP کم می‌کنیم تا GNP حساب شود. برای اندازه‌گیری رشد ادواری لازم است تولید ملی به قیمت‌های ثابت سال پایه محاسبه شود و اثر تورم در بزرگی کاذب ارقام از بین برود تا بتوان از نسبت اختلاف GNP دو دوره بر GNP دوره اول، رشد آن را در مقیاس ۱۰۰ (حاصل کسر ضربدر ۱۰۰) بدست آورد. تا جایی که رشد GNP متأثر از رشد جمعیت است این رشد ناخالص است و لذا باید از رقم رشد GNP نرخ رشد جمعیت را کم و یا آنکه برای محاسبه رشد به جای متغیر GNP از GNP سرانه استفاده کرد!

برای اینکه رشد تولید ملی حاکی از آثار مثبت اقتصادی بر متغیر کار و منابع انسانی باشد کمیت و کیفیت این رشد مطرح می‌شود. اگر رشد خالص اقتصادی آنقدر بزرگ باشد که پس از کسر رشد بهره‌وری رقم مثبت و قابل توجهی باقی بماند آنگاه این رشد به معنای تقاضای اضافی برای استخدام در بازار کار است که اگر نرخ مشارکت اجتماعی تغییری نداشته باشد پشتوانه‌ای برای مطالبه اضافه کار و مزد بالاتر و یا در صورت وجود بیکاری عامل کاهش آن خواهد بود. بنابراین، اگر نرخ رشد تولید ملی بیش از رشد بهره‌وری سالیانه نباشد تغییری در نرخ بیکاری پیدا نمی‌شود و به عنوان نرخ رشد طبیعی در شاخص‌های ملی ثبت می‌شود.

به این ترتیب، چنانچه هدف از شعار حمایت از کار و سرمایه ایرانی کاهش نرخ بیکاری عوامل تولید به خصوص منابع انسانی باشد که می‌تواند به قدرت چانه زنی و رفاه نیروی کار بیفزاید لازم است نرخ رشد تولید ملی از نرخ طبیعی آن به ماخذ ضریب $\frac{2}{5}$ برابر برای هر یک درصد کاهش بیکاری بالاتر باشد.

بدیهی است چنانچه اندازه‌گیری تغییرات عرضه کار مد نظر قرار گیرد باید نرخ رشد جمعیت و نرخ رشد مشارکت یا نرخ رشد فعالیت را که باعث افزایش جمعیت فعال اقتصادی می‌شوند در نظر گرفت. جمعیت فعال بالقوه شاخصی است از حداکثر نیروی کار جامعه که معمولاً جمعیت بین ۱۵ تا ۶۵ سال را در بر می‌گیرد. افزایش نسبت متقاضیان ادامه تحصیل و نام‌نویسی‌کنندگان مقاطع بالاتر تحصیلی باعث کاهش نرخ فعالیت می‌شود و چنانچه به هر دلیلی نیاز به کار جمعیت در سن تحصیل بیشتر شود و یا تمایل به اضافه کاری و کار زنان افزایش یابد به عرضه نیروی کار افزوده می‌شود. شاخصی که با وجود آنکه در جهت افزایش تولید ملی می‌تواند باشد اما در هر صورت قدرت چانه زنی کارگران را کم می‌کند و از آنجا که طبق تعریف، جمعیت فعال از حاصل جمع جمعیت شاغل و جمعیت بیکار بدست می‌آید لذا اگر جمعیت فعال افزایش پیدا کند ولی بخشی از آن به صورت فرار مغزها یا تخصص‌ها و یا حتی کار ساده راهی اقتصادهای خارج شود در واقع مثل اینکه از جمعیت فعال کشور کم شده باشد و بخشی از عوامل کار ایرانی به عنوان پشتوانه تولید ملی از دست رفته است. این نسبت را می‌توان با استفاده از شاخص‌های مختلف بدست آورد. به عنوان مثال کاهش جمعیت جویای کار به رغم عدم افزایش متناسب در جمعیت شاغل و یا شاخص تعداد بوردیه‌های تحصیلی که به علت اعلام عدم نیاز از اشتغال در جریان تولید ملی فک تعهد می‌شوند.

شاخص اندازه‌گیری سرمایه در حسابهای اقتصادی تشکیل سرمایه ثابت شامل ماشین‌آلات و ساختمان و تشکیل سرمایه در گردش شامل افزایش در موجودی انبار است. البته در بازار مالی و سرمایه انواع معاملات مالی و شاخص‌های مناسب دیگری که برای درک فضای کسب و کار و مراحل ادوار تجاری مفید است، وجود دارند که چون مستقیماً درگیر شاخص‌های تولید ملی واقعی (بازار کالا) و بازار کار نمی‌شوند نیاز چندانی به یادآوری آنها در اینجا نمی‌باشد. مهمترین انواع بازار فعال سرمایه، بورس‌های کالا، بورس اوراق بهادار، بورس اجاره و نظایر آن می‌باشد.

تشکیل سرمایه ایرانی شاخصی است که بر حسب قیمت ثابت نوسان سرمایه‌گذاری ملی در تولید و گردش کالا را اندازه‌گیری می‌کند. نوسان این شاخص معمولاً تابعی از نوسان تولید و درآمد ملی است. حمایت از سرمایه ایرانی شامل حمایت از سرمایه‌گذاران ایرانی در خارج و داخل کشور است. رفع مالیات مضاعف در مذاکره با کشور میزبان، رفع خطر مصادره و اقدامات دیگر در کاهش هزینه سرمایه‌گذاران در خارج از کشور است. حمایت از سرمایه ایرانی در داخل شامل اقدامات تعرفه‌ای و

غیر تعرفه‌ای برای جلوگیری از رقابت مخرب و تولید بر انداز واردات است. به علاوه، کاهش ارزش پول داخلی وسیله‌ای است که برای توسعه صادرات و حمایت از کار و سرمایه ایرانی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. مزیت استفاده از سیاست پولی و تغییرات نرخ ارز سرعت تاثیر گذاری و کار آیی آن است در حالی که مشکل مهم، تاثیر منفی آن بر فضای رقابت در کسب و کار می‌باشد. شاخص دیگر حمایت از سرمایه داخلی کنترل رشد مزدها در جهت حمایت از رقابت پذیری تولید داخلی در برابر واردات است. به طوری که نباید گذاشت شاخص مزد کارگران یک صنعت رشد سالیانه‌ای بالاتر از مجموع نرخ تورم و بهره‌وری کار داشته باشد، ضمن اینکه، حمایت از کارگران و کاهش فاصله معیشتی از وظایف دولت است و شاخص مهم آن کاهش سهم پرداخت شخصی از هزینه خدمات درمانی، بهداشتی و نیازمندی‌های همگانی این گروه نسبت به طبقات سرمایه‌دار و مدیران جامعه می‌باشد.

شایان ذکر است سرمایه محدود به نوع فیزیکی نیست بلکه به موازات پیشرفت فناوری و شبکه‌های اجتماعی، ارزش انواع دیگر سرمایه چنان مرتبه‌ای یافته است که حمایت دولت از کار و سرمایه ایرانی بدون توجه به سرمایه‌هایی نظیر سرمایه انسانی، فرهنگی و اجتماعی بی‌معنی است. این در حالی است که شعار اقتصادی سال ظرفیت طرح و توسعه این نوع سرمایه‌ها را بویژه با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و شبکه‌های اقتصادی - اجتماعی الکترونیکی دارد و برای تکمیل شاخص‌های ارزیابی و سنجش اقدامات و نتایج برنامه‌های اجرایی این حوزه لازم است امکان تولید اطلاعات برای تهیه این شاخص‌ها فراهم شود.